

## مسائل جامعه‌شناختی استقلال دانشگاه در ایران؛ یک مطالعه کیفی<sup>۱</sup>

ابراهیم خلیلی<sup>۲</sup>، علی خورسندی طاسکوه<sup>۳</sup>، سعید غیائی ندوشن<sup>۴</sup> و حمیدرضا آراسته<sup>۵</sup>

### چکیده

پیش‌نیاز موفقیت آموزش عالی استقلال دانشگاه توأم با آزادی علمی است. استقلال دانشگاه عقیده قلبی همه دانشگاهیان در مؤسسات آموزش عالی سراسر جهان است. قوانین و شرایط اجتماعی که دانشگاه‌ها در آن فعالیت می‌کنند، بسیار متنوع است و رابطه بین دولت و مؤسسات آموزش عالی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد و لذا، الگویی واحد برای همه وجود ندارد و نمی‌توان ویژگی‌های استقلال دانشگاه‌های یک کشور را برای کشور دیگر در نظر گرفت. پژوهش حاضر با هدف فهم و تبیین ضعف تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب در نظام آموزش عالی ایران از نظر جامعه‌شناختی و بر اساس رویکرد روٹ وداک از روش تحقیق تحلیل گفتمان انتقادی شکل گرفت. اسناد و متون مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه متون و منابع نوشتاری و گفتاری بود که درباره شرایط استقلال دانشگاهی در ایران مطرح هستند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بیشتر مشکلات استقلال دانشگاهی ایران به ترتیب به دوازده دلیل از ریشه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با استقلال سازمانی، علمی، مالی و استخدامی برمی‌گردد. در بخش پایانی راهبردهای سیاستی برنامه‌ریزی و پاسخگویی مناسب دانشگاه‌ها برای کسب اعتماد بیشتر دولت و جامعه، تعدیل توأمان نگرش‌های سیاسی دولتی و نگرش‌های رابطه‌ای دانشگاهی برای افزایش استقلال استخدامی، بازنگری دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در آموزش عالی و تأکید هر چه بیشتر بر اخلاق‌مداری و ارزش‌های اخلاقی در آموزش عالی برای احیای استقلال دانشگاهی در ایران پیشنهاد شده است.

**کلید واژگان:** استقلال دانشگاه، تحلیل گفتمان انتقادی، دولت، رویکرد وداک، مسائل جامعه‌شناختی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته آموزش عالی است که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علامه طباطبائی به انجام رسیده است.

۲. دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: Khalil.eb59@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: khorsandi@gmail.com

۴. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: ghiasi.saeed@gmail.com

۵. استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: arasteh@khu.ac.ir

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۳

## مقدمه

در دهه‌های اخیر به دلایل مختلفی دولت‌ها تشویق شده‌اند تا به دانشگاه‌ها استقلال بیشتری اعطا کنند، از جمله آنکه هر چه رشد تقاضا برای آموزش عالی بیشتر می‌شود و دولت‌ها به نقش آموزش عالی در ارتقای توسعه اقتصادی واقف‌تر می‌شوند، مطمئن شدن از اداره اثربخش نظام‌های آموزش عالی به‌طور فزاینده اهمیت می‌یابد (Fielden, 2008). استقلال دانشگاه بدین معناست که دانشگاه بتواند به‌عنوان یک نهاد توانمند خود را اداره کند و دارای مدیریت خودگردان و از اختیارات اداری، مالی، تشکیلاتی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی و ... برخوردار باشد (Zahediasl, 2017). استقلال دانشگاه به میزان وابستگی یا مستقل بودن یک دانشگاه از نهادهای دیگر مانند دولت یا شرکت‌ها اشاره دارد (Sufean & Wong, 2014) و برای تحقق کامل استقلال دانشگاه نباید هیچ نوع الزامی از خارج دانشگاه درباره استانداردهای آموزشی و پژوهشی وجود داشته باشد (Hägg, 2009).

استقلال مؤسسات آموزش عالی یک فرهنگ خاص، حق یا قدرت است و وابستگی بسیار زیادی به پس‌زمینه خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور یا بافت و زمینه‌ای دارد که آموزش عالی آن کشور در آن شکل گرفته و در حال تکامل است. مطالعه «استقلال دانشگاهی در اروپا»<sup>۶</sup> نشان می‌دهد که در سراسر جهان هیچ دانشگاه کاملاً مستقلی وجود ندارد و اغلب دولت‌ها در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌کنند (Estermann & Steinel, 2011)، زیرا «آموزش عالی تحت کنترل ملی است»<sup>۷</sup> (Bladh, 2018). آزادی علمی و تنوع نهادی اغلب از نظر «روابط قانونی بین مؤسسات آموزش عالی و مقامات دولتی» که اغلب به‌عنوان «دولت»<sup>۸</sup> شناخته شده‌اند، نشئت می‌گیرد (Bergan, 2018). امروزه، دولت‌ها تلاش زیادی دارند تا دانشگاهیان را تحت نظر قرار دهند و برای آنان محدودیت ایجاد کنند (Hayes, 2016). منظور از استقلال نوع خاص رابطه میان دولت و دانشگاه است که در آن دولت ضمن حمایت از فعالیت‌های دانشگاهی، از دخالت در امور آن اجتناب می‌کند (Fazeli, 2014). از نزاع و کشمکش بین دولت و دانشگاه در مقوله استقلال دانشگاهی می‌توان به جدال بین «قدرت»<sup>۹</sup> و «ایدئولوژی»<sup>۱۰</sup> در «تحلیل گفتمان انتقادی»<sup>۱۱</sup> یاد کرد، لذا، تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند رویکردی مناسب و مطلوب برای بررسی وضعیت استقلال دانشگاهی نظام‌های آموزش عالی کشورها محسوب شود.

تحلیل گفتمان انتقادی پاسخی مطلوب به مسئله‌ای خاص را ارائه نمی‌دهد، اما شخص را قادر می‌سازد تا شرایط پشت پرده یک مشکل خاص را درک کند. این را می‌توان برای هر نوع متن و در نتیجه، هر نوع

- 
6. University Autonomy in Europe
  7. Higher Education is under National Control
  8. The State
  9. Power
  10. Ideology
  11. Critical Discourse Analysis

مشکل یا موقعیتی تعمیم داد (Mogashoa, 2014). وندیچ<sup>۱۲</sup> گفته است که تحلیلگران گفتمان انتقادی می‌خواهند نابرابری اجتماعی را بدانند، آنها را افشا و در برابر آن مقاومت کنند (Ahmadvand, 2007). مهم‌ترین نقش را در تحلیل گفتمان انتقادی «ایدئولوژی» و «قدرت» دارند (Wodak, 2011). در این رویکرد موارد سوء استفاده از قدرت نشان داده می‌شود که از طریق گفتارها و مفاهیم صورت می‌گیرد و نتیجه آن سلطه و فشار است. قدرت در تحلیل گفتمان انتقادی نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است و به طبقه یا گروه خاصی تعلق دارد. ایدئولوژی بعدی از تمرین قدرت و مقاومت در برابر آن است. ایدئولوژی‌ها ساخت‌های معنایی هستند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند (Fairclough, 2012). وداک (Wodak, 2013) که رویکرد وی به «رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی»<sup>۱۳</sup> مشهور است، تحلیل گفتمان انتقادی را علاقه‌مند به تحلیل روابط ساختاری آشکار و پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آنها در زبان می‌داند.

دانشگاه به‌عنوان سازمانی که نمایندگی نهاد علم را بر عهده دارد، در احاطه ترکیب پیچیده‌ای از نیروهای اجتماعی قرار دارد (Sori & Salarvand, 2017). از نظر اولریک و گلانز (Ulrike & Glanz, 2011) تعدادی نیروی خارجی همواره بر سیستم دانشگاه نیرو وارد و سعی می‌کنند بر آن تأثیر بگذارند یا حداقل با آن در تعامل باشند. منظور از قدرت در گفتمان استقلال دانشگاهی، همان نیروهایی است که از بیرون محیط یا سیستم دانشگاه به این سامانه برای تأمین انتظارات، نظرها، منافع و اهداف خود به نحای مختلف فشار وارد می‌کنند که در محوریت این فشارها و تقاضاها، دولت یا سیاستمداران یک کشور قرار دارند؛ اما در مقابل، ایدئولوژی شامل مبانی، ریشه، ارزش و پیشینه ضرورت وجودی استقلال برای محیط‌های آموزش عالی و دانشگاه‌هاست که به‌منظور پاسداری از این ارزش بنیادی و اساسی، با قدرت‌های وارد شده به سیستم دانشگاهی مقابله می‌کند. مقصود از مبانی ایدئولوژیک استقلال دانشگاهی در آموزش عالی، آن است که جاری شدن چه ارزش‌هایی در آموزش عالی منوط به استقلال دانشگاه‌هاست. خلاصه آنکه با محور قرار دادن سامانه دانشگاهی، قدرت جنبه بیرونی و ایدئولوژی جنبه درونی دارد.

دانشگاه‌ها با استناد به مواضع ایدئولوژیک گفتمان استقلال دانشگاهی، بر خودمختاری خود تأکید دارند و دولت‌ها نیز با تأکید بر حمایت، به‌خصوص حمایت مالی از دانشگاه‌ها، با استفاده از ابزارهای مختلف در دانشگاه‌ها دخالت می‌کنند و استقلال آنها را به چالش می‌کشند و درحقیقت، اعمال قدرت می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، همواره کشمکش و چالش درخصوص گفتمان استقلال دانشگاهی بین آموزش عالی و دولت‌ها وجود داشته و روابط سلطه خاصی میان گفتمان و اجتماع در این حوزه برقرار بوده که دارای ریشه‌های تاریخی و جامعه‌شناختی است. نتایج به‌دست آمده از نوع رابطه بین دولت و دانشگاه (از حمایت و نظارت دولت تا دخالت و اعمال قدرت آن) موقعیت استقلال دانشگاهی در هر کشور را شکل می‌دهد. در بررسی علل مؤثر وضعیت کنونی استقلال در آموزش عالی کشورها، واکاوی ریشه‌های تاریخی و

12. VanDij, 1993

13. Sociological and Historical Approach

جامعه‌شناختی بر اساس رویکرد وداک اهمیت اساسی دارد و لذا، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریات و رویکرد وداک از مفاهیم گفتمان، قدرت، ایدئولوژی و تحلیل انتقادی جامعه‌شناختی از موقعیت گفتمان شکل گرفته است. البته، در این پژوهش صرفاً شاخه جامعه‌شناختی از رویکرد انتقادی وداک به دلیل رعایت اختصار بررسی شده است. دلیل اصلی انتخاب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی برای این پژوهش، نقش اعمال قدرت دولت و تأثیر آن بر ملاحظات ایدئولوژیک استقلال دانشگاهی در آموزش عالی کشورمان است.

اهمیت تحقیق به اهمیت استقلال دانشگاهی برای آموزش عالی وابسته است. بهترین دانشگاه‌ها مراکزی بوده‌اند که از نظر علمی مستقل عمل کرده‌اند. استقلال دانشگاه‌ها موجب افزایش آزادی علمی و نوآوری خواهد شد. اگر دانشگاه و هیئت علمی در اجرای مسئولیت‌های خود استقلال و آزادی داشته باشند، بهبود کیفیت و مسئولیت‌پذیری دانشگاه، اعضای هیئت علمی، مدیران، دانشجویان و دیگر ذینفعان افزایش خواهد یافت و در پرتو این استقلال، مسئولیت‌پذیری و ایجاد تعهد در میان ذینفعان دانشگاه می‌تواند به سوی اثربخشی سوق یابد. نتیجه آنکه اگر دانشگاه‌ها استقلال نداشته باشند، مسئولیت‌پذیری و پاسخگو نخواهند بود (Arasteh, 2005). ضرورت تحقیق به شناخت بیشتر از شرایط فعلی استقلال دانشگاهی در کشورمان و علل جامعه‌شناختی ضعف تحقق استقلال مطلوب در آموزش عالی ایران برمی‌گردد. از این رو، با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... کشور و تفاوت‌های اساسی در مأموریت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، حمایت‌ها، استادان، دانشجویان، رشته‌ها، پژوهش‌ها و ... در نظام آموزش عالی ایران با سایر کشورها، نیاز است در قالب مسئله و دغدغه اصلی محققان در این پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی جامعه‌شناختی بر اساس رویکرد وداک از وضعیت موجود گفتمان استقلال دانشگاهی آموزش عالی کشور (و برای حمایت از استقلال دانشگاهی) به‌ویژه در دانشگاه‌های دولتی، که تأثیرپذیری بیشتری از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور دارند، صورت پذیرد.

### مبانی نظری و پیشینه

اصل استقلال دانشگاه به جامعه دانشگاهی اجازه می‌دهد تا مأموریت، استراتژی نهادی، ساختار، فعالیت‌ها، سازماندهی و عملیات، مدیریت منابع انسانی و مادی خود را بنا نهد (Florentina & Safta, 2013). استقلال به معنای آزادی در سازماندهی و مسائل اجرایی درون مؤسسه به‌گونه‌ای است که کیفیت تدریس و تحقیق بدون دخالت از سوی مقامات دولتی تضمین شود (Bergan, 2018) و کارکنان دانشگاه از چنان توانمندی برخوردار شوند که از استعدادهای حرفه‌ای و تجربه‌های خود برای تحقق بهترین نتایج یادگیری و تحقیق استفاده کنند (Pitch, 2016). مهم‌ترین تحقیقی که در آن ابعاد استقلال دانشگاه به‌طور کامل بررسی و نقد شده، تحقیقات «انجمن دانشگاه اروپایی»<sup>۱۴</sup> است که عبارت از استقلال

سازمانی<sup>۱۵</sup>، استقلال علمی<sup>۱۶</sup>، استقلال مالی<sup>۱۷</sup> و استقلال استخدامی<sup>۱۸</sup> است (Estermann, 2017). مفهوم ابعاد استقلال دانشگاهی در تحقیقات مختلف به منظور شناخت هر چه بیشتر از کلیت استقلال دانشگاه در قالب جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مفهوم ابعاد چهارگانه استقلال دانشگاه بر اساس منابع و نظریات مختلف

Mehta, 2005	Kothbauer, 2008	Serkan, Ferda & Emin, 2016	Estermann, 2017	Michavila, & Martinez, 2018	ابعاد استقلال
آزادی مؤسسه برای مدیریت امور داخلی یا دانشگاهی خود	وجود داشتن استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و مأموریت‌های خاص در دانشگاه	حق تصمیم‌گیری بدون محدودیت و اعمال آزادانه آنها در مؤسسه	استقلال در ساختارهای علمی و اداری، رهبری و حکمرانی	ظرفیت دانشگاه‌ها برای طراحی، اجرا و اصلاح ساختار و انتخاب نهادهای حاکم	استقلال سازمانی
آزادی تصمیم‌گیری درباره موضوعات آموزشی مانند برنامه درسی، مواد آموزشی، آموزش و پژوهش و روش‌های ارزیابی دانشجویان	آزادی فردی اعضای جامعه دانشگاهی برای دنبال کردن آزادانه تحقیق، آموزش و یادگیری خود	توانایی معرفی برنامه‌های جدید، تصمیم‌گیری درباره محتوای دوره‌ها و تعداد کلی دانشجویان	استقلال در زمینه‌های مطالعاتی، تعداد دانشجویان، انتخاب دانشجو، ساختار و محتوای مدارج تحصیلی	آزادی انتخاب دانشجویان آینده، ایجاد و حذف برنامه درسی، تعریف زمینه‌های تحقیق و اهداف آنها و اجرای سازکارهای مناسب تضمین کیفیت	استقلال علمی
آزادی مؤسسه برای بهره‌برداری از منابع مالی موجود در اختیارش به نحوی محتاطانه با توجه به اولویت‌های خود	ظرفیت در جمع‌آوری بودجه‌ها و دارایی‌ها همراه با آزادی در هزینه کردن کامل بودجه‌ها بر اساس برنامه‌های استراتژیک و اطمینان از ثبات مالی	ظرفیت تصمیم‌گیری استراتژیک درباره شهریه دانشجویی، حقوق کارمندان، مالکیت املاک و سایر مسائل مالی	توانایی جمع‌آوری وجوه، امکان و ساختارها، قرض گرفتن پول و تنظیم هزینه‌های تحصیلی	استقلال در تنظیم شهریه، امکان قرض گرفتن و بسیاری از جنبه‌های اقتصادی و مالی دیگر	استقلال مالی

15. Organizational Autonomy
16. Academic Autonomy
17. Financial Autonomy
18. Staffing Autonomy

Mehta, 2005	Kothbauer, 2008	Serkan, Ferda & Emin, 2016	Estermann, 2017	Michavila, & Martinez, 2018	ابعاد استقلال
به‌کارگیری آزادانه کارکنان دانشگاهی، افزایش بهره‌وری و رضایتمندی از دانشگاه	ظرفیت دانشگاه برای مدیریت کردن کارکنان علمی و اداری و مسئولیت‌پذیری برای توسعه فردی	آزادی در استخدام، ارتقا و پرداخت حقوق کارکنان آموزش عالی	توانایی استخدام مستقلانه، رشد و توسعه کارکنان هیئت علمی و اداری دانشگاه	آزادی در استخدام کارکنان دانشگاهی و مدیریتی، تنظیم حقوق و ارتقای استادان و کارکنان	استقلال استخدامی

در توصیف وزن مداخله و نزاع بین قدرت و ایدئولوژی در گفتمان استقلال دانشگاهی نظام آموزش عالی ایران، باید اشاره شود که غالباً مداخله و اثرگذاری قدرت بیشتر بوده است. در تأیید این مطلب فراساتخواه (Farasatkah, 2010) چنین گفته است: «دانشگاه ایرانی از ابتدا با مشکلات و مسائل اساسی‌تری مواجه بود. برخلاف جوامع غربی، دانشگاه در جامعه ما از متن تحولات درونی سنت‌های تعلیمی و تحقیقی این جامعه و در بستری از سیر جدالی و توسعه این سنت‌ها در مواجهه با انتقادها و تغییرات جدید به وجود نیامد. دانشگاه ایرانی از ابتدا فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درونزا بود و زیر پایش از حیث استقلال سست بود. از سوی دیگر، قدرت فراگیر دولت و فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی، موجب شد که دانشگاه در درون دولت به وجود بیاید. این عوامل سبب شده است که استقلال دانشگاه ایرانی پیوسته با فراز و نشیب‌ها و بیم و امیدهایی همراه و نقدهای زیادی پیرامون آن وجود داشته باشد».

تشکیل نهاد دانشگاه در کشور ایران از ابتدا به‌صورت دولتی بود و بعد از مدتی بخش خصوصی نیز وارد این عرصه شد. دانشگاه‌های دولتی از بدو امر در قالب سازمان اداری «مؤسسه دولتی» شناسایی شدند (Agah, 2017). مسئله خودمختاری دانشگاهی در کشور ایران روندی پیچیده و پرفراز و نشیب داشته و به‌جای یک سیر منظم تکاملی، با افت و خیر همراه بوده و قوانین و مقررات آن به‌صورت منسجم و سیستمی تدوین نشده است (Zakersahi, 2013). جدال بر سر نحوه و حدود استقلال در آموزش عالی ایران همیشه بین دانشگاهیان و دولتمردان وجود داشته است. رئیس وقت دانشگاه تهران بخشی از این فراز و فرودها را بازنمایی کرده است. این چالش‌ها و کشمکش‌ها درحقیقت، جدال بین متن‌ها (قوانین، سیاست‌ها و مصوبات) و ساختارها (ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اداری و ...) است. جدال بین اقتضات محیط علمی و رویه‌های بوروکراتیک و تضاد بین آزادی علمی و تصلب ساختار اداری است (Siyasi, 2008).

پس از انقلاب اسلامی، مدت‌ها استقلال دانشگاهی حتی بر روی کاغذ و در سیاست‌ها و قوانین کشور نیز کنار گذاشته شد، اما از دهه ۱۳۷۰ شمسی به بعد روندی از اصلاحات و تغییرات در جهت احیای مجدد هیئت‌های امناء، تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها و مانند آن آغاز شد. هم‌اکنون در ماده ۱۰ قانون

اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب سال ۱۳۸۳، دانشگاه‌ها دارای شخصیت مستقل هستند. در ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب سال ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۹۰ بر اداره دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت امنای مربوط تأکید شده است، ولی با گذشت سال‌ها هنوز وظایف هیئت امنای که در سال ۱۳۶۸ به صورت محدود به تصویب رسیده، تغییر نکرده و بر میزان و حدود اختیارات آنها افزوده نشده است (Razaq Marandi, Rahimzadeh & Khajeof, 2013). یکی از علل مهم عدم موفقیت استقلال دانشگاه در کشور ایران، اقدامات عملی است که دولت به منظور تمرکزگرایی و در اختیار داشتن امور دستگاه‌های تحت کنترل خود انجام می‌دهد (Banaei Oskooei, 2015). عوامل امتناع استقلال مطلوب در دانشگاه ایرانی پیچیده، چندعاملی و در پاره‌ای مواقع ناشناخته هستند. وجود حساسیت‌های غیرآکادمیک، تکرر حضور نیروهای غیرآکادمیک در اتمسفر آموزش عالی، آشفتگی فلسفی و ضعف معرفتی نهاد دانشگاه و نیز چالش تاریخی هویت و آشفتگی کارکرد، از موانع جدی استقلال دانشگاه در آموزش عالی ایران هستند (Khorsandi Taskuh, 2017).

### روش پژوهش

این پژوهش در زمره تحقیقات تحلیل گفتمان است که از راهبردهای پژوهش کیفی است. جامعه آماری شامل کلیه متون (اعم از زبان نوشتاری یا گفتاری)<sup>۱۹</sup> درباره وضعیت استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران است؛ به بیان دیگر، کلیه مقاله‌ها، آیین‌نامه‌ها، تحقیقات کاربردی و ... (متون نوشتاری) و نظرها، تفاسیر و انتقادات صاحب‌نظران (متون گفتاری) درباره استقلال دانشگاهی ایران جامعه آماری این پژوهش محسوب می‌شوند. نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس راهبردهای تحقیقات کیفی هدفمند<sup>۲۰</sup> است؛ لذا، از میان تمام متون (نوشتاری یا گفتاری) احصا شده، متونی که جنبه نمونه یا معرف داشته‌اند یا به عبارت دیگر، بیشترین نقش را در موضوع تحقیق داشته و بیانگر دلایل جامعه‌شناختی ضعف شکل‌گیری استقلال مطلوب در نظام آموزش عالی ایران بوده‌اند، به‌عنوان نمونه هدفمند آماری انتخاب شدند. ۱۰ مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و مسئولان آموزش عالی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها انجام شد. در قالب این مصاحبه‌ها، متون مربوط به سخنرانی‌های صاحب‌نظران، نقدهای آنان و حتی تألیفات و مقالات آموزشی و پژوهشی آنان مشاهده شد. این متون و مواجهات، ضبط یا رونویسی شد که در مجموع، حدود ۱۱۶ صفحه متن بود. رونوشت‌ها به‌طور تکراری تحلیل شدند. با ایجاد برش‌های افقی و عمودی در سطح و عمق متن‌های منتخب، معانی کلان و فوقانی ابتدا از طریق تجرید مؤلفه‌های متنی از یکدیگر و سپس، با بررسی ساختارهای خرد و کلان از لایه‌های مختلف متنی و فرامتنی در یک رابطه متقابل و همزمان تحلیل صورت گرفت. نمونه‌های گفتاری این پژوهش از مصاحبه‌های زیر برداشت شد. مصاحبه‌ها در بازه

19. Spoken or Written Language

20. Purposeful

زمانی ۱۳۹۷/۱/۲۰ تا ۱۳۹۷/۳/۸ صورت پذیرفت. به دلیل رعایت امانت در تعهد به مصاحبه‌شوندگان، از ذکر اسامی مستقیم آنان در متن پژوهش خودداری و برای هر نفر کد اختصاصی به شرح جدول ۲ منظور شد.

با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان، روش عملی جمع‌آوری داده در این پژوهش مرور اسناد است. داده‌ها در این پژوهش به دو طریق گردآوری شده‌اند: ۱. از متون مختلف نوشتاری با استفاده از مرور اسناد برای استخراج گزاره‌ها و معانی استقلال دانشگاهی؛ ۲. از متون گفتاری (نهاده‌ها و افراد) با استفاده از مصاحبه‌های غیرساختمند.

بدین منظور، گام‌های زیر طی شد:

- جست‌وجو و تمام‌شماری در کلیه متون و ادبیات تحقیق، نقدها و مصاحبه‌های انجام شده و قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقررات مدون آموزش عالی ایران؛
- مطالعه و بررسی متن و زمینه (بستر) تحولات درباره استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران؛
- تحلیل کیفی عبارات و شاخص‌های استخراج شده و ظرفیت‌شناسی آنها با دیدگاه تفسیری و انتقادی از طریق کنار هم قرار دادن آنها و بهره‌گیری از نظرهای نخبگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و درنهایت، نیل به استنباط و ایجاد شناخت جامع از وضعیت استقلال دانشگاهی آموزش عالی ایران.

جدول ۲- مسئولیت و تعداد اعضای نمونه گفتاری پژوهش

ردیف	مسئولیت	تعداد	کد اختصاصی
۱	رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۱)
۲	اعضای هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۲)
۳	رؤسای گروه‌های علمی دانشگاه صنعتی شریف	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۳)
۴	رؤسای گروه‌های علمی دانشگاه شهید بهشتی	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۴)
۵	استادان دانشگاه و مشاوران رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۵)
۶	استادان دانشگاه و رؤسای انجمن‌های علمی کشور	یک نفر	(مصاحبه شونده شماره ۶)
۷	اعضای هیئت علمی برجسته دانشگاه‌های برتر کشور (صاحب‌نظر و دارای تألیف در حوزه استقلال دانشگاهی)	چهار نفر	(مصاحبه شونده شماره ۷) (مصاحبه شونده شماره ۸) (مصاحبه شونده شماره ۹) (مصاحبه شونده شماره ۱۰)

## یافته‌ها

برداشت از استقلال به «پس‌زمینه خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی» یک کشور و در یک کلام بافت و زمینه وابستگی بسیار زیادی دارد که آموزش عالی آن کشور در آن شکل گرفته است؛ لذا، شایسته است که درباره وضعیت تحقق استقلال دانشگاهی در هر کشور تحلیل انتقادی مناسبی بر اساس واقعیات بافت



تاریخی و اجتماعی آن کشور صورت پذیرد. وداک به اجرای سیاست در پشت صحنه اعتقاد دارد. در واقع، این موضوع ناظر بر آن است که بسیاری از اعمال قدرت‌ها و نفوذها در آموزش عالی نامرئی و به اصطلاح در پشت صحنه و پیامد نانوشته‌هاست. بدین دلیل، به نظر می‌رسد که بخش زیادی از ضعف تحقق استقلال دانشگاهی در آموزش عالی کشورمان و از طرفی، پذیرفته نشدن دانشگاه به معنای واقعی به‌عنوان عقل نقاد، زمینه‌های جامعه‌شناختی دارد، به عبارت دیگر، بسیاری از دلایل وضعیت کنونی استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران به زمینه‌های جامعه‌شناختی از جامعه ایرانی و شکل‌گیری آموزش عالی در آن وابسته است. روث وداک در رویکرد خود بر چهار مفهوم نقد، قدرت، بافت و ایدئولوژی تأکید کرده است. در این پژوهش نیز بر همین چهار مفهوم تأکید شده است؛ یعنی نقد انتقادی، قدرت (مداخلات دولتی در آموزش عالی ایران)، بافت (فضای اجتماعی و بافت اسلامی- ایرانی کشورمان) و ایدئولوژی (گفتمان استقلال دانشگاهی ایران). در واقع، در قالب این پژوهش قصد آن بود که با در نظر داشتن توأمان تعامل بین سه واژه (فضا) از عوامل تشکیل‌دهنده وضعیت کنونی استقلال دانشگاهی در ایران (همان قدرت، بافت و ایدئولوژی)، این شرایط از بُعد جامعه‌شناختی نقد شود.

جدول ۳- گویه‌های استخراج‌شده و طبقه‌بندی موضوعی حاصل از متون نوشتاری و گفتاری

طبقه‌بندی موضوعی	منبع	نوع متن	گویه‌ها و مضامین استخراج‌شده
نبود ثبات در حاکمیت و دولت در ایران و تغییر مداوم برنامه‌ها و انتظارات از آموزش عالی	مصاحبه شماره ۸	گفتاری	تعطیلی طولانی مدت آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی
	مصاحبه شماره ۴	گفتاری	آموزش عالی بهترین محمل برای تغییر از سوی دولت‌ها در قرن حاضر
	مصاحبه شماره ۸	گفتاری	دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادی در خدمت استعمارگران
	مصاحبه شماره ۴	گفتاری	تغییر مداوم در تعریف‌ها، سیاست‌ها و انتظارات از آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۴	گفتاری	بی‌اعتمادی همیشگی به آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۴	گفتاری	تغییر همیشگی برنامه‌های دولت قبل در آموزش عالی ایران
تمرکزگرایی، تصدیگری و دیوان‌سالاری دولتی و تسری آن به محیط دانشگاهی	مصاحبه شماره ۴	گفتاری	آموزش عالی ایران به‌عنوان محملی با بیشترین دستکاری و انتظارات
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	تمرکزگرایی دولت بر دانشگاه‌های دولتی
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	انبوه قوانین و مقررات حاکم بر آموزش عالی ایران
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	اجرا نشدن مواد قانونی درون جامعه دانشگاهی
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	چنبره دیوان‌سالاری دولتی بر آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	مداخلات آشکار و نهان متولیان حکومتی در آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	نظام متمرکز و بخشنامه‌های دولتی و سیاست‌های ابلاغی از بالا
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	دانشگاه‌های تابع وزارت علوم در بسیاری جهات
	مصاحبه شماره ۵	گفتاری	وابستگی و تمرکزگرایی دانشگاه‌ها بعد از انقلاب
	Nafisi, 2001	نوشتاری	تمرکز شدید حاکم بر آموزش عالی ایران
Arasteh, 2001	نوشتاری	نظام دیوان‌سالار و متمرکز دولتی	

طبقه‌بندی موضوعی	منبع	نوع متن	گویه‌ها و مضامین استخراج شده
	Arasteh, 2001	نوشتاری	نظام آموزش عالی به‌عنوان زیرنظامی از دولت و با ساختار متمرکز
ضعف نظام خط مشی‌گذاری عمومی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری در آموزش عالی	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	مدل سیاست‌گذاری آموزش عالی بیش از حد سیاسی و کمتر عقلانی
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	تعدد نهادی مدنی، صنفی و علمی اثرگذار در خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	وجود اختیارات مختلف برای سایر مراکز از جمله وزارت علوم
نبود تکافوی آیین‌نامه‌ها و قوانین موجود برای تحقق استقلال دانشگاهی، در حاشیه بودن، ابهامات و پراکندگی محتوایی و اجرایی ساختار حقوقی مرتبط با آموزش عالی	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	نبود پاسخگویی قوانین و مقررات برای کسب استقلال دانشگاه
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	وضع نشدن قوانین مناسب
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	متراکم بودن و وسعت داشتن قوانین
	مصاحبه شماره ۱	گفتاری	تدوین نشدن قوانین و مقررات استقلال به‌صورت منسجم و سیستمی
	مصاحبه شماره ۱	گفتاری	آشفته‌گی یا تعارض در قوانین و مصوبات
	مصاحبه شماره ۱	گفتاری	ابهامات زیاد از نظر محتوایی و اجرایی
	مصاحبه شماره ۱	گفتاری	مشکلات ساختار حقوقی دانشگاه‌ها
نارضایتی از تحرک دولت به ایجاد فضای لازم برای تحقق استقلال واقعی دانشگاه‌ها	مصاحبه شماره ۷	گفتاری	فراهم نشدن مقدمات اجرای مواد قانونی توسط دولت
	مصاحبه شماره ۷	گفتاری	راضی نبودن دولت به رها ساختن آموزش عالی به‌دلیل منافع آن
	مصاحبه شماره ۷	گفتاری	بی‌اعتمادی دولت به آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	مقاومت دولت در قبال استقلال دانشگاه
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	نارضایتی دولت به رها ساختن تصدیگری از آموزش عالی
ضعف نهادی‌های دانشگاهی و اجتماع علمی، عادت به رویه‌های کنونی و نبود تحرک سامان‌مند از سوی آنان	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	ضعف سنت‌های دانشگاهی و آکادمیک در آموزش عالی ایران
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	منفعل بودن آموزش عالی برای کسب استقلال
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	قیم‌شناختن دولت از سوی دانشگاه
	مصاحبه شماره ۶	گفتاری	مطالبه استقلال از دیگران توسط دانشگاهیان
نبود مشارکت فعال بخش غیردولتی بخش خصوصی و مطالبه استقلال از آن سو همگام با بخش دولتی	Farasatkah, 2010	نوشتاری	نبود مشارکت فعال بخش غیردولتی
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	مطالبه نکردن استقلال از طرف بخش خصوصی
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	همراهی و تطبیق بخش خصوصی با چارچوب‌های بخش دولتی
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	نبود تحرک مناسب در بخش خصوصی برای تحقق استقلال
برداشت ناصحیح دولت از اجرای خصوصی‌سازی در آموزش عالی	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	ناموفق بودن تجربه ایران در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	تعبیر دولت از خصوصی‌سازی به درآمدزایی صرف از سوی دانشگاه‌ها
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	نبود تجربه خصوصی‌سازی به معنای رقابتی شدن و پویایی آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۱۰	گفتاری	وجود نداشتن زمینه لازم در دانشگاه‌ها برای واگذاری استقلال استخدامی

طبقه‌بندی موضوعی	منبع	نوع متن	گویه‌ها و مضامین استخراج‌شده
آسیب‌های پارادوکسی وارد شده بر استقلال استخدامی دانشگاه‌ها	مصاحبه شماره ۷	گفتاری	اخذ نکردن اعتماد از دولت و بعضاً بدعملی دانشگاه‌ها در جذب
	مصاحبه شماره ۷	گفتاری	نبود بلوغ و پختگی برای اختیارات کامل در برخی مقوله‌های استقلال
	مصاحبه شماره ۱	گفتاری	محدودتر شدن جذب اعضای هیئت علمی نسبت به سال‌های گذشته
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	نبود پختگی و جامعیت آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقای استادان
بی‌اعتمادی به دانشگاه‌ها با توجه به نقش و سطح انتظارات از آموزش عالی	مصاحبه شماره ۶	گفتاری	کمبود اعتماد به دانشگاه در مجامع مختلف
	مصاحبه شماره ۶	گفتاری	نبود احساس نیاز کافی به دانشگاه در امور مهم جامعه
	مصاحبه شماره ۶	گفتاری	برآورده نشدن نقش دانشگاه در توسعه علمی
	مصاحبه شماره ۶	گفتاری	نبود احساس نیاز به استقلال دانشگاه‌ها از درون جامعه و دولت
	مصاحبه شماره ۹	گفتاری	تأمین نشدن نیازهای جامعه ایرانی از سوی دانشگاه ایرانی
تأثیر روابط سیاسی بر روابط علمی بین‌المللی	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	سیطره سیاست خارجی بر تعاملات بین‌المللی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان
	مصاحبه شماره ۲	گفتاری	تخریب و تضعیف همکاری‌های علمی
مغفول ماندن دوسویه جامعه و آموزش عالی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی متناسب با علم	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	محدودیت دانشگاه‌ها در تعامل آزاد یا فرصت‌های مطالعاتی
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	اجرا نشدن نقش اخلاقی آموزش عالی
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	غفلت از آموزش ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های علمی
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	تضعیف هویت ملی و داشتن عقدهٔ حقارت به غرب در برخی از محیط‌های علمی
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	در اولویت قرار داشتن جذب دانش‌آموختگان خارج از کشور در دانشگاه‌ها
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	پرستیژ تحصیل در کشورهای خارجی برای دانشگاه‌ها
	مصاحبه شماره ۳	گفتاری	نبود اهتمام لازم به زمینه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی کشور در تحقق استقلال
مصاحبه شماره ۳	گفتاری	مشکلات معیشتی دانشگاهیان و نبود تمرکز علمی در دانشگاهیان	

توضیحات تکمیلی مربوط به هر یک از یافته‌های پژوهش ستون طبقه‌بندی موضوعی جدول ۳ به شرح زیر است.

**نبود ثبات در حاکمیت و دولت در ایران و تغییر مداوم برنامه‌ها و انتظارات از آموزش عالی**  
اندکی پس از برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار آن، دانشگاه‌ها به صحنه تقابل با نظمی تبدیل شدند که خود در برپایی آن سهم بسزایی داشتند. این وضعیت اعتماد متقابل بین آن دو را زایل و وحشت متقابل را ایجاد کرد. ملاحظه اسناد مؤسس ستاد انقلاب فرهنگی و پس از آن شورای عالی انقلاب فرهنگی

نشان می‌دهد که از نظر عوامل و موجبات رخداد انقلاب فرهنگی و تعطیلی طولانی آموزش عالی، به دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادی در خدمت استعمارگران که جز ضرر و زیان چیزی برای کشور به بار نیاوردند، نگریسته شده است (مصاحبه شونده شماره ۸). در قرن حاضر، هر زمان تغییری در دولت ایجاد شده است، حتی پس از جنگ تحمیلی تا کنون، بهترین محمل برای تغییر از سوی دولتمردان، آموزش عالی شناسایی شده است. این تغییرات ضمن بیان حساسیت بالای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در کشورمان، نشان می‌دهد که نوعی بی‌اعتمادی همیشگی به آموزش عالی یا حداقل برنامه‌های دولت قبل در آموزش عالی ایران وجود دارد. کشورمان در کمتر از یکصد سال اخیر دارای یک انقلاب گسترده به نام انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بود که خیلی از تعریف‌ها، ایدئولوژی‌ها و سیاست‌ها پس از آن و انتظارات از آموزش عالی تغییر یافته است. حتی پس از وقوع جنگ تحمیلی و تغییر دولت‌ها، اساساً آموزش عالی در ایران محملی بوده که بیشترین دستکاری و انتظارات را توأمان به همراه داشته است. درنهایت، آموزش عالی نوین ایران که کمتر از یکصد سال عمر دارد، حوادث و تغییرات عمده و بزرگی را تجربه کرده و به‌نوعی از تمام آنها تأثیرپذیری داشته است (مصاحبه شونده شماره ۴).

#### تمرکزگرایی، تصدیگری و دیوان‌سالاری دولتی و تسری آن به محیط دانشگاهی

تمرکزگرایی دولت بر دانشگاه‌های دولتی کماکان وجود دارد که بخشی از آن به قوانین و بخشی دیگر به اقدامات عملی دولت مربوط می‌شود. بسیاری از انبوه قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران با روح و ساختار متمرکز تشکیلات و نظام اداری کشور هماهنگ است و فضا و زمینه لازم را برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به استقلال دانشگاه‌ها ایجاد نمی‌کند. از این رو، این مواد قانونی که حاصل یک دهه بحث و گفت‌وگو در جامعه دانشگاهی است، تا کنون به مرحله اجرا درنیامده‌اند (مصاحبه شونده شماره ۱۰). چنبره دیوان‌سالاری دولتی و مداخلات آشکار و نهان آن با انواع متولیان حکومتی موازی، دانشگاه ایرانی را کرخت کرده است و دانشگاه نمی‌تواند خلاق و توانمند باشد و با جامعه ارتباط برقرار کند. نظام متمرکز و بخشنامه‌های دولتی و سیاست‌های ابلاغی از بالا، خلاقیت و مسئولیت را از دانشگاه گرفته است (مصاحبه شونده شماره ۲). در وضعیت فعلی، دانشگاه‌های ما از بسیاری جهات تابع وزارت علوم هستند. بسیاری از تصمیمات مهم علمی و غیرعلمی توسط وزارتخانه گرفته می‌شود و از افکار خبرگان دانشگاهی کشور کمتر استفاده می‌شود (مصاحبه شونده شماره ۳). متأسفانه، در برهه‌هایی بعد از انقلاب، حتی وابستگی و تمرکزگرایی دانشگاه‌ها بیش از دوران ستم‌شاهی پهلوی بوده است و جالب اینکه نه قانون برنامه پنجم توسعه و نه آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و نه نقشه جامع علمی کشور مصوب سال‌های اخیر، نتوانست چاره‌ساز شود (مصاحبه شونده شماره ۵). به‌دلیل تمرکز شدید حاکم بر امور آموزش عالی ایران، اصولاً نهاد دانشگاه همانند یک واحد اداری عمل می‌کند (Nafisi, 2001). حقایق موجود آموزش عالی بیانگر آن است که نظام دیوان‌سالار و متمرکز کنونی توانایی هدایت مراکز آموزش عالی را ندارد. نظام آموزش عالی به‌عنوان زیرنظامی از دولت و با ساختار متمرکز در اموری چون پذیرش دانشجو، برنامه‌ریزی درسی،

تخصیص بودجه، انتصاب رئیس دانشگاه و گزینش اعضای هیئت علمی و کارکنان کارایی خود را از دست داده است (Arasteh, 2001).

### ضعف در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری در آموزش عالی

مدل سیاستگذاری در آموزش عالی ایران بیش از آنکه از سپهر دانش اجتماعی و پژوهش‌های مستقل میدانی و مدل‌های تبیین و توضیح علمی و علمی نشئت بگیرد، برآمده از ایدئولوژی رسمی و بیش از حد سیاسی و کمتر عقلانی و اجتماعی است. روش‌های شهودی و گرایش‌های جناحی معمولاً در قالب‌های سنتی و هیئتی بر ساختارهای بوروکراتیک سیاستگذاری غالب می‌شوند و سایه می‌اندازند. تدابیر و تمهیدات مؤثر نظام‌مند و قانونمندی در حد کفایت وجود ندارد که نهادهای مدنی و صنفی و علمی، سازمان‌های حرفه‌ای و پژوهشی مستقل، انجمن‌های تخصصی و شبکه‌های اجتماعی به‌صورت غیردولتی و غیر بوروکراتیک و پویا قادر و مایل باشند در فرایندهای سیاستگذاری نفوذ کنند و آن را به‌طور مؤثر تحت تأثیر قرار بدهند (مصاحبه شونده شماره ۲). در حال حاضر، از یک‌طرف، به دانشگاه‌ها اجازه داده شده است تا مقررات لازم را خود تصویب کنند، اما از طرف دیگر، اعتبار این مصوبات به تأیید وزارتین علوم و بهداشت منوط شده است. وزارتینی که خود از علل اصلی عدم استقلال سیاسی و علمی دانشگاه‌ها هستند. وزارتخانه‌ای که از انتصاب اعضای هیئت‌های مختلف تا گزینش استاد و دانشجو را در اختیار دارد و کمترین عملکرد و اثربخشی را در راستای تحقق استقلال دانشگاه داشته است (مصاحبه شونده شماره ۹).

نبود تکافوی آیین‌نامه‌ها و قوانین موجود برای تحقق استقلال دانشگاهی، در حاشیه بودن،

### ابهامات و پراکندگی محتوایی و اجرایی ساختار حقوقی مرتبط با آموزش عالی

آیا قوانین و مقرراتی که طی سال‌های گذشته به تصویب مراجع مختلف رسیده و ابلاغ و اجرایی شده، توانسته است استقلال دانشگاه را به ارمغان بیاورد؟ پاسخگویی به این سؤال به تفکر نیاز ندارد و بسیار ساده است. پاسخ منفی است. برخلاف تصور رایج مبنی بر نیاز به وضع قوانین و مقررات بیشتر، تحقق استقلال دانشگاه نیازمند نگرش صحیح با توجه به جمیع شرایط حاکم بر کشور است. ما قانون را خوب وضع نکردیم. ایراد قانونی به‌کرات وجود دارد. قانون را فقط متراکم نمودیم و بی‌دلیل وسعت دادیم (مصاحبه شونده شماره ۱۰). قوانین و مقررات خودمختاری دانشگاهی در ایران به‌صورت منسجم و سیستمی تدوین نشده و آشفتگی یا تعارض در قوانین و مصوبات بسیار زیاد است. از طرفی، در همین قوانین موجود نیز ابهامات زیادی به لحاظ محتوایی و اجرایی وجود داشته که دانشگاه‌ها را در حوزه‌های مختلف مالی، استخدامی، تشکیلاتی، دانشجویی، نظارتی، بودجه‌بندی، ارتباط با وزارت علوم، ارتباط با صنایع و بازار، ارتباط با دیوان محاسبات و ... دچار آشفتگی کرده است. اساساً ساختار حقوقی جاری دانشگاه‌ها در کشور ما، اجازه استقلال به دانشگاه‌ها را نمی‌دهد و این از قوانین متعددی سرچشمه می‌گیرد که مصوب مجلس شورای اسلامی در مورد وظایف وزارت علوم است. بر اساس قوانین مصوب مجلس، وزیر علوم مسئول تمام اتفاقاتی است که در دانشگاه‌ها

رخ می‌دهد و در نتیجه این امر، استقلال دانشگاه‌ها در مقابل وزارتخانه معنایی ندارد (مصاحبه شونده شماره ۱).

به نظر می‌رسد که با توجه به مشکلات حقوقی موجود در ساختار اداری و مالی کشور، دولتی‌ها هم به‌نوعی خود را ذی‌حق دخالت در آموزش عالی می‌دانند. برای مثال، وزیر می‌گوید هر اتفاقی که در دانشگاه بیفتد، من باید پاسخگو باشم یا رئیس دانشگاه که منتصب من است باید پاسخگو باشد. حتی در حوزه اختیارات هیئت‌های امنا، مشکلات حقوقی به‌وضوح نمایان است. اگر از طریق هیئت امنا تلاش بر استقلال داشتیم، فقط از جهت استقلال سازمانی آن‌هم به‌صورت نیم‌بند، بخشی هم اداری و استخدامی بوده است، ولی به لحاظ استقلال علمی هیچ کاری نکردیم. همین‌الآن شما بیست دانشگاه مهم را رصد کنید. اعضای هیئت امنا چه افرادی هستند، غالباً دولتمردان سیاسی هستند. این دولتمردان سیاسی چگونه انتخاب می‌شوند، موقعی که الف بیاید الف‌ها می‌آیند و موقعی که ب بیاد ب‌ها می‌آیند. هیئت امناها باید بتوانند با موازین علمی و کارشناسی تصمیم بگیرند. در صورتی که تمام تصمیمات در ایران از قبل گرفته شده است و کل دانشگاه‌ها و هیئت امنا مجری هستند و کار خاصی نمی‌توانند بکنند. اینکه چه شکلی جذب کنیم، چه شکلی استاد بگیریم و چه شکلی اخراج کنیم، همه این‌ها چارچوب‌هایی برایش تهیه شده است و همه دانشگاه‌ها باید بر روی این ریل حرکت کنند (مصاحبه شونده شماره ۱۰). به‌هرحال، باید بپذیریم بخش اعظمی از مقررات و آیین‌نامه‌ها در آموزش عالی ناکارآمد و دست و پاگیر است. بسیاری از این قوانین و آیین‌نامه‌ها همچنان در حاله‌ای از ابهام و تعویق مانده‌اند یا با موانعی مواجه هستند. ما به تحول در محیط حقوقی و اصلاح قوانین و مقررات‌زایی نیاز داریم.

#### نارضایتی از تحرک دولت به ایجاد فضای لازم برای تحقق استقلال واقعی دانشگاه‌ها

دولت در ایران علی‌رغم فراهم شدن بستر قانونی برای اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها از قبیل ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه سال ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه سال ۱۳۹۰، هنوز مقدمات اجرای مواد قانونی مرتبط را فراهم نکرده است. به نظر می‌رسد که دولت به دو دلیل همچنان راضی به این اقدام نیست و نخواهد بود: ابتدا اینکه آموزش عالی را به‌عنوان یک بستر و مجموعه دارای منافع زیاد برای خود تعریف کرده است که آمادگی رها ساختن آن را ندارد و دوم اینکه همچنان آن اعتماد لازم را به آموزش عالی در کشورمان برای اعطای خودگردانی و استقلال ندارد. از این‌رو، احتمالاً افزایش استقلال دانشگاه‌ها وابستگی زیادی به حسن نیت دولت دارد، نه به اجرای هر سیاست خاص (مصاحبه شونده شماره ۷). با وجود آنکه دانشگاه در درون دولت شکل گرفته است، ولی فضای اجتماعی کشورمان به سمتی در حال حرکت است که انتظار استقلال از دانشگاه وجود دارد و الآن دولت دارد مقاومت می‌کند. در واقع در حال حاضر، جامعه خیلی بازتر شده است، ولی دولت راضی به رها کردن تصدیگری از آموزش عالی نیست. دولت فضاهایی را برای خودش انتخاب کرده است و فکر می‌کند که اگر این‌ها را از دست بدهد، شاید دستش خالی بماند. بنابراین، جامعه دانشگاهی را رها نمی‌کند (مصاحبه شونده شماره ۹).

## ضعف نهادهای دانشگاهی و اجتماع علمی، عادت داشتن به رویه‌های کنونی و نبود تحرک سامان‌مند از سوی آنان

نقد ما در خصوص فقر استقلال در دانشگاه‌ها باید قدری منصفانه باشد. حداقل اینکه نقدی همه‌جانبه باشد. باید ببینیم خود آموزش عالی ایران نیز دارای ضعف سنت‌های دانشگاهی و آکادمیک بوده و از زمان شکل‌گیری خود، آن‌چنان‌که باید نتوانسته است توان و جوهره خود را برای کسب استقلال و اثرگذاری بیشتر در جامعه ایرانی به نمایش بگذارد و به همین دلیل، فضا را برای دخالت و اعمال قدرت از سوی دولت باز گذاشته است. تجربه نشان داده است که استادان دانشگاه‌ها و تشکل‌های علمی بیشتر از آنکه فعال باشند، منفعل بوده و منتظرند تا دیگران برایشان تصمیم‌گیری کنند. حتی در جاهایی که دست دانشگاه‌ها در مسائل مختلف باز گذاشته شده است، از ظرفیت‌هایی که داشته‌اند به‌خوبی استفاده نکرده‌اند. دانشگاه از اول دولت را به‌عنوان قیم خود در ناخودآگاه ذهنش قرار داده و با دولت به جلو آمده است. اگر هم دولت رها کند، بعضی از دانشگاهیان نمی‌توانند تفکر دولتی را رها کنند؛ یعنی این به جامعه دانشگاهی تزریق شده است (مصاحبه شونده شماره ۹). اگر به کشورهای موفق نگاهی بیفکنیم، می‌بینیم زمانی دانشگاه استقلال داشته که توانسته است یآوری برای دولت، جامعه و نظایر اینها باشد. اینکه دانشگاه به‌طور دائم استقلالش را از ناحیه دیگران که معلوم هم نیست ضرورت استقلال را حس و درک کرده‌اند مطالبه کند، هیچ کمکی به تحقق استقلال در آموزش عالی نمی‌کند (مصاحبه شونده شماره ۶). امروزه، آنچه دانشگاه‌ها و جوامع علمی کشور به آن نیاز دارند، دخالت و مشارکت فعالانه و کامل دانشگاهیان به شکل صحیح، قانونی و عقلانی در آموزش عالی است. با چنین حرکتی می‌توان به استقلال رسید.

## نبود فعالیت و تحرک بخش خصوصی و مطالبه استقلال از آن سو همگام با بخش دولتی

مشارکت فعال بخش غیردولتی یکی از پیش‌شرط‌های نهادینه شدن آزادی در همه زمینه‌هاست. آموزش عالی کشور بیش از اندازه دولتی است. دانشگاه آزاد اسلامی نیز در بعد از انقلاب به‌صورتی شبه‌دولتی و در حاشیه قدرت به وجود آمده و گسترش یافته است. مشارکت بخش‌های مستقل غیردولتی در تأسیس و مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و نیز تشکیل انجمن‌های علمی و صنفی از جمله زمینه‌های مؤثر در رشد آزادی علمی است. لذا، دولت باید موظف باشد که از طریق اعطای تسهیلات بانکی به‌صورت وام‌های بلندمدت با بهره کم، واگذاری زمین مناسب با کاربری آموزشی، معافیت از مالیات و عوارض، آزادسازی اجتماع علمی و مانع نشدن از گردش و فعالیت نخبگان علمی و تعامل و همکاری‌های نهادهای علمی در سطح بین‌المللی، از توسعه مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و انجمن‌های علمی غیردولتی حمایت کند. دولت مسئولیت دارد که زیرساخت‌ها و زمینه‌های حمایتی لازم را برای دسترسی برابر همه شهروندان به یادگیری عالی با کیفیت فراهم کند تا با مشارکت مردم و بخش خصوصی حرفه‌ای، دانشگاه‌های با کیفیتی ایجاد شود (Farasatkah, 2010). متأسفانه، در حال حاضر بخش خصوصی

بیشتر از آنکه به دنبال مطالبه استقلال باشد، با چارچوب‌های بخش دولتی تطابق یافته است و هیچ تحرک مناسبی از سوی آنان برای تحقق استقلال مشاهده نمی‌شود (مصاحبه شونده شماره ۱۰).

### برداشت ناصحیح دولت از اجرای خصوصی‌سازی در آموزش عالی

تجربه کشور ایران در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی ناموفق بوده است. در واقع، ما حتی با همان حالت رایج جهان آزاد به صورت مدل بازار برای دانشگاه که البته، به آن هم نقدهای بسیاری وارد است، مواجه نیستیم. در واقع، مدتی است به اسم خصوصی‌سازی که یک خوانش ناقص از اصل ۴۴ قانون اساسی است، چوب حراج به سرمایه ملی دانشگاهی ما زده‌اند. اگر به اصل ۴۴ دقت کنیم، تصریح شده است که صنایع مادر، امری موکول به کل منافع اجتماعی است و دولت مسئولیت خاصی در آن دارد. آموزش عالی نیز به تعبیری یک صنعت مادر است. دولت وظیفه دارد و باید در این زمینه پاسخگو باشد. در اصل ۳۰ قانون اساسی هم این وظیفه دولت تصریح شده است. برخی ادعا می‌کنند که خصوصی‌سازی برای کوچک کردن دولت است، اما در واقعیت در آموزش عالی بعد از انقلاب اصلاً دولت کوچک نمی‌شود. دولت اصرار دارد که هنوز مداخلات و تصدیگری‌اش را بر آموزش عالی ادامه دهد. فقط می‌خواهد از کمک‌ها و حمایتش بکاهد. به مراکز آموزش عالی می‌گوید خودتان درآمدزایی کنید. از شهروندان شهریه بگیرید و ... درحالی‌که ما در واقع، باید به دنبال کاهش تصدیگری دولت و کاهش اختیارات و دخالت‌های آن باشیم، نه آنکه وظایف ذاتی و حمایتی دولت را نادیده بگیریم. در ایران طی دو دهه اخیر به اسم خصوصی‌سازی آموزش عالی، این وظایف دولت نادیده گرفته می‌شود؛ یعنی ما صاحب آموزش عالی عجیبی شده‌ایم که به لحاظ محتوایی تحت کنترل ایدئولوژی دولت و بوروکراسی دولتی و تصدیگری در برنامه‌های آموزشی و درسی و امور فرهنگی و ... است و دولت هنوز در بخش مدیریت همه کاره است، اما پی در پی می‌گوید خصوصی شوید؛ یعنی هر طور که می‌خواهید پول در بیاورید. از این رو، تجربه خصوصی‌سازی به معنای رقابتی شدن و پویا شدن آموزش عالی نبوده، بلکه تنها موجب نابودی کیفیت و تشدید فشار به خانوارهای کم درآمد شده است (مصاحبه شونده شماره ۲). این موضوع سبب شده است که بعضاً یا دانشگاه‌ها در کسب درآمد ناتوان باشند یا گوهر استقلال و آزادی خویش را به‌منظور کسب درآمد بهتر و بیشتر به‌راحتی از دست بدهند.

### آسیب‌های پارادوکسی وارد شده بر استقلال استخدامی دانشگاه‌ها

در مقوله استقلال استخدامی، دانشگاه‌ها با دو آسیب به‌صورت تعارض‌گونه مواجه هستند. از یک سو، بستر لازم در دانشگاه‌ها برای واگذاری استقلال در این حوزه وجود نداشته و دانشگاه‌ها آن اطمینان و شایستگی که برای احراز این استقلال مورد نیاز است از خود بروز نداده‌اند و باید یک نظارت از سوی نهادهای بالادستی بر آن (به دلیل اعمال نظرهای شخصی و سیاسی) وجود داشته باشد (مصاحبه شونده شماره ۱۰). اگر امروز استخدامی‌های هیئت علمی را تمام و کمال به دانشگاه‌ها واگذار کنیم، یقیناً آسیب خواهد داشت. دانشگاه ممکن است برخی از ملاحظاتی را که دولت در نظر می‌گیرد، لحاظ نکند. کما اینکه در دانشگاه



آزاد میزان دخالت در حال حاضر خیلی بیشتر شده است. قبلاً آزادتر بوده‌اند، ولی به خاطر آنکه یک‌سری مسائل رعایت نشده است، میزان دخالت افزایش پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر، دانشگاه‌ها نتوانستند این اعتماد را اخذ کنند و به همین دلیل، خیلی از طرف دولت هم اعتمادی وجود ندارد که بخواهند صد در صد در برخی از حوزه‌ها به دانشگاه‌ها استقلال بدهند. مثلاً در چند سال گذشته، دانشگاه‌ها نفراتی را برای هیئت علمی جذب کرده‌اند که نه تنها صلاحیت علمی لازم را ندارند، بلکه قواره‌های هیئت علمی را هم ندارند. اگر هم وزارت علوم در مسائل استخدامی دخالت کرده، شرایط عمومی را گفته است که برای همه واضح است، ولی خود دانشگاه‌ها در احراز شرایط اختصاصی کوتاهی کرده‌اند. در واقع، مشکل اینجاست که دانشگاه‌های ما در برخی مقوله‌های استقلال هنوز به بلوغ و پختگی لازم برای داشتن اختیارات کامل نرسیده‌اند (مصاحبه شونده شماره ۷).

از سوی دیگر، دانشگاه‌ها در به‌کارگیری اعضای جامعه دانشگاهی همراه با تبعیت آن از قوانین کشوری، محدودیت‌های بسیار زیادی دارند که مشکلات استخدام را برای آنان دوچندان ساخته است. در حال حاضر، استادان ما اگر فردی را با استعدادی فوق‌العاده در میان دانشجویان دکتری دانشکده خود یا فارغ‌التحصیلان دیگر دانشگاه‌ها ببینند، به راحتی نمی‌توانند آنها را به دانشگاه‌ها بیاورند و باید از مراحل زیادی عبور کنند تا این امر تحقق یابد. جذب اعضای هیئت علمی نسبت به ده سال گذشته محدودتر شده و کاهش یافته است (مصاحبه شونده شماره ۱). نمونه بارز این مطلب، آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقای استادی است که از پختگی و جامعیت لازم برخوردار نبوده است (مصاحبه شونده شماره ۳). دانشگاه‌ها دارای آیین‌نامه‌های مختلفی از جمله آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی و اعضای اداری هستند که معمولاً توسط وزارت علوم ابلاغ می‌شود و دانشگاه‌ها بعد از تصویب در هیئت امنای زمینه اجرای آن را فراهم می‌سازند (مصاحبه شونده شماره ۷). اختیارات استخدام کارکنان در امور استخدامی و اداری دانشگاه‌ها به دلیل شمول مقررات استخدامی عام کشوری به دانشگاه‌ها و طولانی بودن مسیر جذب نیروی انسانی، به صورت تمرکزی در اختیار دولت قرار دارد که این موضوع، سلب امکان برنامه‌ریزی مناسب برای جذب نیروی انسانی و تضعیف تدریجی سرمایه انسانی در دانشگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

### بی‌اعتمادی به دانشگاه‌ها با توجه به نقش و سطح انتظارات از آموزش عالی

در بحث جامعه‌شناختی اعتماد به دانشگاه، یک بعد مربوط به درون نهاد دانشگاه و دیگری به بیرون دانشگاه که همان جامعه باشد، برمی‌گردد. به هر صورتی که بیرون از جامعه را حساب کنید، چه دولت، چه حاکمیت و چه جامعه، در نهایت، منظور همان جامعه است و طبیعتاً اگر نقش علم در توسعه از سوی جامعه خوب درک نشود، احساس نیاز به دانشگاه کم می‌شود و اگر احساس نیاز کم باشد، احساس نیاز به استقلال هم کم می‌شود. اگر احساس نیاز کم بشود، دیگر الزامات علمی رعایت نمی‌شود. دلیل اصلی این موضوع همان است که دانشگاه نتوانسته است نقش خود را در توسعه علمی به خوبی انجام دهد. تا زمانی که نقش دانشگاه‌ها از سوی جامعه در توسعه علمی و پیشرفت کشور به خوبی درک نشود و در واقع، آن اعتماد لازم

ایجاد نشود، نیاز به استقلال دانشگاه‌ها نیز از اساس و درون حس نخواهد شد (مصاحبه شونده شماره ۶). برای اثبات این ادعا کافی است به شاخص‌های برجستگی علمی در جامعه خود نظر افکنیم. الآن مهم‌ترین شاخص برای پیشرفت علمی ما تعداد مقالات چاپ شده در مجلات نمایه شده توسط ISI و نظایر آن یا مجلات علمی - پژوهشی است، بدون آنکه تأثیر علمی این مقالات یا کیفیت آنها مطرح باشد (مصاحبه شونده شماره ۳). اگر امروز استقلال دانشگاه مطالبه نمی‌شود، یکی از دلایل آن است که جامعه ایرانی به سطحی از هوشیاری و آگاهی رسیده است که دانشگاه ایرانی نمی‌تواند نیازمندی امروز آن را جبران کند. وقتی چنین شد، دیگر جامعه روی دانشگاه حساب نمی‌کند (مصاحبه شونده شماره ۹). از این رو، میزان اعتماد به دانشگاه‌ها از منظر استقلال کاهش پیدا کرده است و خود جامعه تمایل دارد که دانشگاه‌ها تحت نظارت نظام آموزش عالی و وزارت علوم باشند. جامعه احساس می‌کند در صورت استقلال دانشگاه‌ها و نبود نظارت دولتی، نابرابری افزایش و میزان عدالت کاهش پیدا می‌کند. انتظارشان این است که دولت نقش ناظر و نظارتی را داشته باشد (مصاحبه شونده شماره ۷). ضمناً نباید نقدی یک‌طرفه و غیرمنصفانه به این وضعیت بی‌اعتمادی جامعه به دانشگاه داشته باشیم. دانشگاه در واقع، وضعیتی از ضعف دانش ایرانی را نمایندگی می‌کند که شاید در بروز آن نقش آن‌چنانی نداشته و در درون یک شکاف بزرگ علمی متولد شده باشد. حداقل از زمان تشکیل آموزش عالی نوین در ایران، یک شکاف علمی بزرگ بین علم و ثمره آن در جهان با وضعیت علمی ایران وجود داشته است. آموزش عالی زمانی در ایران شکل گرفته که این شکاف علمی به حدی وسیع بوده است که شاید حرکت در راستای ترمیم این شکاف خود سال‌ها زمان می‌برد، چه برسد به اینکه بتوانیم این شکاف علمی را جا بگذاریم. لیکن همزمان با شکل‌گیری آموزش عالی در ایران، مردم آموزش عالی را متولی ترمیم این شکاف علمی دانسته‌اند و انتظارات به‌ناحق از آموزش عالی در یک برهه کوتاه بالا رفته است (مصاحبه شونده شماره ۲).

### تأثیر روابط سیاسی بر روابط علمی بین‌المللی

اگر امکان تعامل آزاد علمی با محیط جهانی و بین‌المللی فراهم شود، دانشگاه‌ها می‌توانند ضمن حرکت بیشتر در جهت توسعه علمی و تبادلات آموزشی، استقلال بیشتری را نیز برای خود به ارمغان بیاورند. علم در شبکه‌ای فرامرزی و بین‌المللی زمینه رشد و توسعه پیدا می‌کند، لذا، دانشگاه‌ها باید از اختیارات کافی برای مشارکت با مراکز علمی در جهان در زمینه‌های تأسیس رشته‌ها و واحدهای آموزشی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک برخوردار باشند و بتوانند مستقلاً از متخصصان خارج از کشور، اعم از ایرانی و غیرایرانی استفاده کنند. دست آنها باید در دعوت و به‌کارگیری اعضای هیئت علمی خارجی در توسعه کیفی خود باز باشد. دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط باید قانوناً موظف باشند که آزادی رفت‌وآمد و اقامت و امنیت متفکران و متخصصان ایرانی مقیم خارج را برای امکان قبول این دعوت‌ها تضمین کنند. سیطره سیاست خارجی دولت بر تعاملات بین‌المللی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان، همکاری‌های علمی ما را به شدت تخریب و تضعیف کرده است (مصاحبه شونده شماره ۲). در یک قرن گذشته مهم‌ترین شکل ارتباطات

علمی کشور، به اعزام دانشجو به خارج از کشور یا فرصت‌های مطالعاتی محدود بوده و این امر باعث شده است که همکاری‌های علمی و مبادلات دانشگاهی نیز اغلب به صورت اعزام تعریف و تلقی شود. با توجه به نیازهای متنوع کشور، باید تعریف جامع‌تری از ارتباطات علمی با سایر کشورها را در نظر بگیریم و در این راستا انواع مبادلات دانشگاهی مانند مبادله دانشجو، توسعه بازارها و موقعیت‌های مبادله کالاهای علمی و فکری، افزایش معاهدات همکاری دانشگاهی بین‌المللی در زمینه آموزش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، برگزاری دوره‌های آموزشی و پژوهشی مشترک بین‌المللی و ... را به مثابه زمینه‌های مغفول مانده یا کمتر توسعه یافته در سیاست ارتباطات علمی بین‌الملل خود بگنجانیم.

### مغفول ماندن دوسویه جامعه و آموزش عالی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی متناسب با علم

در وضعیت فعلی از استقلال دانشگاهی کشور، در برخی از محل‌ها و زمان‌ها آموزش عالی نقش اخلاقی خود را به سرانجام نرسانده و بعضی اوقات نیز جامعه به دلیل نبود اهتمام به ارزش‌های اخلاقی، آموزش عالی را در تنگنا قرار داده است. در این خصوص، بررسی چند نکته حایز اهمیت است. ابتدا اینکه از آموزش ارزش‌های اخلاقی به‌طور شایسته در محیط‌های علمی ما غفلت شده است. یک دانشگاه مطلوب حتماً باید به تهذیب اخلاقی دانش‌پژوهان توجه داشته باشد. دوم اینکه دانشگاهیان فکر می‌کنند فقط در صورت حاکمیت فرهنگ غرب ما می‌توانیم به استقلال برسیم که این باعث تضعیف هویت ملی و بروز عقدهٔ حقارت به غرب در اکثر محیط‌های ما، به‌ویژه محیط‌های علمی‌مان، شده است. فردی که در خارج فارغ‌التحصیل شده است، برتر از فارغ‌التحصیل داخلی تلقی می‌شود، حتی اگر فارغ‌التحصیل داخلی نخبه‌تر باشد. الان بعضی دانشکده‌های برخی از دانشگاه‌های ما در مقام جذب استادان ترجیح می‌دهند که افرادی را بپذیرند که حداقل دورهٔ پسادکتری را در خارج گذرانده باشند. سوم اینکه مطالعه یا تحصیل در کشورهای خارجی برای دانشگاه‌ها ما یک پرستیژ محسوب می‌شود، حال آنکه ممکن است در برخی از رشته‌ها ما توان و دانش بالایی داشته باشیم. چهارم آنکه دانشگاهیان فکر می‌کنند صرفاً همان استقلال مد نظر کشورهای غربی را باید در آموزش عالی ایران پیاده‌سازی کرد و اهتمام چندانی به زمینه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان ندارند. این‌گونه امور استقلال فکری ما را از بین می‌برد و شأن دانشگاه‌هایمان را پایین می‌آورد (مصاحبه شونده شماره ۳).

از سوی دیگر، جامعه هم در رعایت مسائل اخلاقی در آموزش عالی نقش بی‌بدیلی دارد. در کشورمان جامعه به حدی که برای مصادیق صوری مدارک تحصیلی ارزش و احترام قایل است، برای دانش و محتوای آن مدارک احترام نمی‌خواهد. جامعه هیچ‌گاه آن‌چنان که باید دانشگاه‌ها را در قبال محتوای مدارک علمی مورد بازخواست قرار نداده است. مشکل اساسی دیگر، آن است که دانشگاهیان از نظر معیشتی تأمین نیستند و به دنبال راه‌های انحرافی از قبیل چندشغلی یا کسب درآمد از راه‌های غیرعلمی رفته‌اند. الان استادان غیر از حقوق ماهیانه از یک محل اصلی، آموزانه، حق هدایت پایان‌نامه‌ها، حق جلسات و ... از چند جا می‌گیرند، ولی مع‌الوصف تأمین نیستند. الان علم در کشور ما شأن واقعی خود را از دست داده و دکانی

برای تأمین معیشت افراد شده است (مصاحبه شونده شماره ۳). بنابراین، نبود اهتمام جامعه و دولت به جایگاه و ارزش والای استادان و کارکنان آموزش عالی و نبود تمرکز علمی در دانشگاهیان به دلیل مشکلات معیشتی، استخدامی و ... خود یکی دیگر از زمینه‌های بروز بی‌اخلاقی‌ها در آموزش عالی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن تعداد استنادات و حجم ارجاعات (چه از نظر منابع تحقیقاتی و چه بر اساس نظرهای صاحب‌نظران در مصاحبه‌ها)، مهم‌ترین دلایل جامعه‌شناختی ضعف تحقق استقلال دانشگاهی متناسب با نظام آموزش عالی ایران به ترتیب اولویت به شرح زیر است:

- تمرکزگرایی، تصدیگری و دیوان‌سالاری دولتی و تسری آن به محیط دانشگاهی؛
  - نبود تکافوی آیین‌نامه‌ها و قوانین موجود برای تحقق استقلال دانشگاهی، در حاشیه بودن، ابهامات و پراکندگی محتوایی و اجرایی ساختار حقوقی مرتبط با آموزش عالی؛
  - آسیب‌های پارادوکسی وارد شده بر استقلال استخدامی دانشگاه‌ها؛
  - ضعف نهادهای دانشگاهی و اجتماع علمی، عادت داشتن به رویه‌های کنونی و نبود تحرک سامان‌مند از سوی آنان؛
  - بی‌اعتمادی به دانشگاه‌ها با توجه به نقش و سطح انتظارات از آموزش عالی.
- در یک نگاه جامع به دوازده مورد از دلایل اشاره‌شده در یافته‌های پژوهش درباره ضعف تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب در آموزش عالی ایران از نظر جامعه‌شناختی، حداقل هشت دلیل به استقلال سازمانی (بندهای ۱ تا ۶)، دو دلیل به استقلال مالی (بندهای ۷ و ۸)، یک دلیل به استقلال استخدامی (بند ۹) و سه دلیل به استقلال علمی (بندهای ۱۰ تا ۱۲) برمی‌گردد. البته، این یافته با تحقیق ذاکر صالحی (Zakersahi, 2013) مبنی بر اینکه ۵۵ درصد مصوبات و قوانین اصلی آموزش عالی ایران در حوزه‌های تشکیلاتی، ساختاری، اداری و مالی بوده و جنبه‌های علمی و آکادمیک کمتر در کانون توجه بوده است، همخوانی دارد. در بررسی دیگری به نظر می‌رسد که در تحلیل جامعه‌شناختی، بلافاصله بعد از مباحث تصدیگری دولت در آموزش عالی و نقص در بخش استقلال سازمانی، بحث آسیب‌های پارادوکسی وارد شده بر استقلال استخدامی دانشگاه‌ها مورد بیشترین استناد و تأکید قرار گرفته که این موضوع نیز با ادبیات تحقیق مبنی بر وجود چالش‌های اساسی در بحث استخدام در دانشگاه‌ها و صدای اعتراض دانشگاهیان همسو است. پس از استقلال سازمانی، به نظر می‌رسد که به لحاظ جامعه‌شناختی استقلال علمی در ایران با چالش‌های بیشتری مواجه بوده است که غالب این موضوع به بندهای ۱۰ و ۱۱ برمی‌گردد و با نتایج پژوهش فراساتخواه (Farasatkah, 2010) مبنی بر مشکلات عدیده آموزش عالی ایران در زمینه استقلال علمی و آزادی آکادمیک هماهنگی دارد.

در نظام‌های دانشگاهی متمرکز که دولت همه امور آموزش عالی از سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا را تعیین می‌کند، عملاً عرصه ظهور فکرهای نوین و خلاقیت در مدیریت دانشگاهی محدود می‌شود و زمینه پاسخگویی نیز به تدریج از بین می‌رود. دیگر پیامد منفی چنین رویکردی نبود رشد و بالندگی در مدیران دانشگاهی و کمبود نیروهای متفکر و خلاق در آینده است، چرا که در یک نظام کاملاً متمرکز که همه منابع مالی، روندهای اداری، برنامه‌های آموزشی، آیین‌نامه‌ها و مقررات را دولت تعیین کند، مدیران بجز اجرای مصوبات نقش دیگری ندارند و اصولاً طرح مفاهیمی چون برنامه‌ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم‌سازی و پاسخگویی نیز جایگاه روشنی نخواهند داشت. البته، بحث از استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به معنای از بین رفتن نقش دولت در آموزش عالی نیست، بلکه واگذاری اختیارات مدیریتی و برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها علاوه بر ایجاد فرصت برای رشد و بالندگی مدیران امروز و تربیت مدیران فردا، امکان پرداختن دولت به امور مهم‌تری چون حمایت از دانشگاه‌ها، نظارت بر حسن اجرای مدیریت دانشگاهی و استقرار مکانیزم‌های پاسخگویی را فراهم می‌آورد. در تأیید یافته‌های تحقیق و همسویی با مطالب مذکور، باید اشاره شود که گام اول مشکلات آموزش عالی ایران نبود استقلال سازمانی است.

نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه در ایران طی بیش از یک سده اخیر در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های دولت شکل گرفته و توسعه یافته است و همچنان مدیریت و کنترل می‌شود. وابستگی دانشگاه به دولت کارویژه اصلی این نهاد؛ یعنی تولید و ترویج دانش علمی را به شدت تحت تأثیر ملاحظات و اولویت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و بوروکراتیک قرار داده و کم‌وبیش مختل ساخته است. به علاوه، بی‌ثباتی‌های پی‌درپی سیاسی و ناپایداری جهتگیری‌ها و سیاست‌های دولت، به ویژه طی چند دهه اخیر، آسیب‌های مزبور را شدت بخشیده است. بدون شک، استقلال دانشگاه‌ها به‌طور چشمگیر به چشم‌انداز کلی دانشگاه و میزان دخالت سیاست وابسته است. باید تلاش شود تا همواره نوعی تعادل بین استقلال و میزان دخالت از بیرون ایجاد شود تا کمترین صدمه به حوزه آموزش عالی وارد شود.

### پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادی سیاستی این پژوهش به‌منظور توسعه استقلال دانشگاهی در کشور به شرح زیر است:

۱. تلاش بیشتر دانشگاهیان و اجتماع علمی برای غلبه بر رویه‌ها و عادات کنونی و تحرک قانونی، سامان‌مند و اثربخش از سوی آنان برای مطالبه استقلال؛ بایسته است دانشگاهیان با تحرک و اثربخشی بیشتر، دولت و دولتی‌ها را برای دریافت استقلال بیشتر متقاعد سازند. این موضوع محقق نمی‌شود، مگر آنکه دولت دو موضوع را در داخل دانشگاه و آموزش عالی مد نظر قرار دهد: ابتدا هنجارهای علمی و سنت‌های دانشگاهی روز به روز در داخل دانشگاه افزایش یابد که خروجی‌های آن به جامعه کمک شایانی می‌کند (به‌واقع اعتماد دولت جلب شود و زمینه لازم برای واگذاری استقلال مناسب به آموزش عالی وجود داشته باشد) و دوم

آنکه دانشگاهیان و اجتماعات علمی با غلبه بر رویه‌ها و عادات کنونی و ایجاد تحرک هدفمند، یک‌صدایی مناسبی را برای مطالبه استقلال ایجاد کنند.

۲. تعدیل نگرش‌های سیاسی دولتی برای افزایش استقلال دانشگاه‌ها؛ دیگر وقت آن رسیده است که دولت آهسته آهسته آموزش عالی کشور را رها و به خودگردانی آن اعتماد کند. دولت باید از این تفکر رها شود که اگر آموزش عالی را رها سازد، ممکن است آموزش عالی معیارها و حداقل‌های بافت اسلامی- ایرانی کشور و مباحث ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران را رعایت نکند. این موضوع نیاز به تغییر باور و اعتقاد اساسی دارد.

به‌منظور امکان اجرایی شدن پیشنهادهای سیاستی یادشده، پیشنهادهای کاربردی پژوهش به شرح زیر است:

- برنامه‌ریزی و پاسخگویی مناسب دانشگاه‌ها برای کسب اعتماد بیشتر دولت و جامعه به‌منظور تحقق انتظارات از آموزش عالی؛
- کاهش ابهامات از آیین‌نامه‌ها و قوانین استقلال دانشگاهی و تلاش برای تدوین قانونی جامع؛
- تأکید هر چه بیشتر بر اخلاق، اخلاق‌مداری و ارزش‌های اخلاقی در مناسبات علمی آموزش عالی؛
- تلاش برای کاهش نگرش‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و استفاده ایزاری از آن؛
- بی‌طرفی کامل محیط‌های آموزش عالی و رؤسای آن در خصوص جناح‌های سیاسی و حذف دانشگاه‌ها به‌عنوان محملی برای تسویه حساب‌های سیاسی با جناح‌های رقیب؛
- اجتناب از سیاست‌های تبعیض‌آمیز درباره استادان و اجتماعات علمی دارای خطوط فکری جناح‌های سیاسی دیگر و نهادینه کردن مدیریت مشارکتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛
- تصحیح مفهوم و انتظارت و بهبود جایگاه و نقش هیئت‌امنا در دانشگاه‌ها؛
- کاهش تمرکزگرایی، تصدیگری و دیوان‌سالاری دولت در محیط‌های دانشگاهی و تغییر راهبرد دولت بر حمایت از آموزش عالی به‌جای نظارت مستقیم بر آن؛
- حمایت دولت در خصوص تضمین آزاداندیشی علمی در دانشگاه‌ها و جلوگیری از تحمیل برنامه‌های خارج از نظام آموزشی.

## References

1. Agah, W. (2017). Resolution 630 of the supreme council for the Cultural Revolution and the universities autonomy. Proceedings of the National Conference on Universities Autonomy: Challenges and Strategies. Tehran: Allameh Tabataba'i University, 326-295 (in Persian).
2. Ahmadvand, M. (2007). Critical discourse analysis: An introduction to major approaches. *Dinamika Bahasa dan Ilmu Budaya*, 82-90.

3. Arasteh, H. R. (2001). Universities leadership Iranian higher education system: Challenges and defficiencies. *Quarterly Journal Research and Planning in Higher Education*, 7(3 & 4), 41-69 (in Persian).
4. Arasteh, H.R. (2005). The evolution of higher education: Eistorical developments and problems ahead of developing countries. *Rahyافت Journal*, No. 36 (in Persian).
5. Banaei Oskooei, M. (2015). Legal status and territory approvals of trustees of universities and educational and research institutions. *Public Law Research*, 17 (47) (in Persian).
6. Bergan, S. (2018). Academic freedom and institutional autonomy. *IAU HORIZONS*, 22, (2), January, 29-30. Retrieved from [www.iau-aiu.net](http://www.iau-aiu.net).
7. Bladh, A. (2018). Let the views be heard. *IAU HORIZONS*, 22 (2), January, 29-30. Retrieved from [www.iau-aiu.net](http://www.iau-aiu.net).
8. Estermann, T., & Steinel, M. (2011). University autonomy in Europe, European University Association, Beiträge zur Hochschulforschung, 33, Jahrgang.
9. Estermann, T. (2017). University autonomy in Europe III: Country profiles, European University Association, Avenue de l'Yser 24. 1040 Brussels, Belgium.
10. Fairclough, N. (2012). Critical discourse analysis, international advances in engineering and technology (IAET). ISSN: 2305-8285 Vol.7 July. International Scientific Researchers, 452-487.
11. Farasatkah, M. (2010). *University and higher education: Globl perspectives and Iranian issues*. Tehran: Nashr-e-Ney (in Persian).
12. Fazeli, N. (2014). *Culture and university*. Tehran: Sales (in Persian).
13. Fielden, J. (2008). *Global trends in university governance*. World Bank Education, Working Paper Series 9, Washington: The World Bank.
14. Florentina, S.C., & Safta, M. (2013). University autonomy and academic freedom - meaning and legal basis. *Perspectives of Business Law Journal*, 2(1), November, 192-199.
15. Hägg, I. (2009). Academic freedom and university autonomy necessary in the liberal open society, Think tank seminar, Liberal International Congress, The Bertil Ohlin Institute, Sweden, 1-5.

16. Hayes, D. (2016). *Towards a philosophy of academic freedom*. Civitas 2016, 55 Tufton Street, London SW1P 3QL, designed and typeset by lukejefford.com: 65-81.
17. Khorsandi Taskuh, A. (2017). *Interdisciplinary discourse; policies for action in higher education*. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology (in Persian).
18. Kothbauer, M. (2008). Autonomy and its challenges in a world of global education. International Association of University Governing Bodies, University of Vienna.
19. Mehta, R. (2005). *Autonomy in higher education: Meaning and purpose*. New Delhi: Sarup and Sons, 169-173.
20. Michavila, F., & Martinez, J. (2018). Excellence of universities versus: Autonomy, funding and accountability. *European Review*, 26, S48-S56.
21. Mogashoa, T. (2014). Understanding critical discourse analysis in qualitative research. *International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE)*, 1(7), July.
22. Nafisi, A. (2001). *Analysis of the higher education system*. Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
23. Pitch, E. (2016). *University autonomy: Improving educational output*. IZA World of Labor, March, Retrieved from [www.wol.iza.org](http://www.wol.iza.org): p1-10.
24. Razaq Marandi, H., Rahimzadeh, K., & Khajeof, G. (2013). Institutional autonomy of public universities affiliated with the Ministry of Science and Technology. *Journal of Higher Education Association*, 5 (4), 163-137 (in Persian).
25. Serkan, Ö.İ., & Ferda, B.O., & Emin, U.M. (2016). An exploratory study on university autonomy: A comparison of Turkey and some European Union Countries. *Journal of Educational and Instructional Studies in the World*, August, 6(3), Article 10.
26. Siyasi, A. (2008). *Report a life*. Tehran: Akhtaran (in Persian).
27. Sori, M. Salarvand, S. (2017). University autonomy in ideological authoritarian regimes. Proceedings of the National Conference on University autonomy; Challenges and Strategies, Allameh Tabataba'i University (in Persian).
28. Sufean, H., & Wong, S.C. (2014). University autonomy: What academic think about it. *International Refereed Research Journal*, V (2).



29. Ulrike, F.P., & Glanz, M. (2011). *University autonomy in Europe: Changing paradigms in higher education policy*. University of Vienna.
30. Wodak, R. (2013). *Critical discourse analysis: Concepts, history, theory*. Vol. I, Lancaster University, Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication>.
31. Wodak, R. (2011). *Critical discourse analysis*. In Ken Hyland, and Brian Paltridge (Ed). *The Continuum Companion to Discourse Analysis*. London: Continuum.
32. Zahediasl, M. (2017). The concept of university autonomy, legal bases, barriers and restrictions. *Proceedings of the National Conference on University autonomy: Challenges and Strategies*. Tehran: Allameh Tabataba'i University, 471-447 (in Persian).
33. Zakersahi, G. (2013). Study of the legal capacities of university autonomy in Iran. *Journal of Iranian Higher Education Association*, 5 (4), 55-23 (in Persian).

